



شماره هفتمین شماره

الطباعه خاصه

عاجل انجاء اعلامه و زو قبله

بهشتی و بی

آقا قیام

قیمت اعلان

اکبریه و فرانسه

ستاره خط

سطح و خط و خط

# اخبار

## اعلام و قیام

که در سائر دول رسم است مقترین که جنایات ایشان ثابت شده  
 بجای وطن داده بجای صعب و سخت بطور حسن میفرستد مثل اینکه  
 روسیه بهر دولت فرانسه به کابین روانه میکنند دولت  
 ایران هم از تاریخ حال بعد تخفیف جنایت کرده باشند مقصود  
 بهر اعتبار تحقیق و ثبوت بقلع محکم بمورد سایر بلوچستان و سیستان خواهد  
 فرستاد

## اعلام و نجر

ب الامر الاقدس الاعلی سابقا امر و مقرر شده بود که دارالترجمه بایون  
 آید و جمعی ترجمین ایرانی که بفرنگستان رفتم مراقبت و توجه اولیای دولت  
 یافتند و ترجمین خبری که از دول مختلفه پدیدار بایون آمده اند جمع  
 باین تفصیل (آقا میرزا رضای کاشانی) (میرزا نور علی) (میرزا باقر)  
 (میرزا علیخان) (میرزا علیقلی) (میرزا حسن) (میرزا محمد) (میرزا محمد)  
 از حسب الامر الاعلی از تاریخ بیستم شهر شعبان المعظمه دارالترجمه  
 که است انعقاد خواهد یافت و در سایه جنایت بنده کان اقدس حضرت  
 قدرت شایسته سواد و دوشنبه و جمعه مجلس دارالترجمه منعقد خواهد بود  
 و در آن مجلس استخفاف و ترقی این صنعت در ملک محروسه مقرر و اعلام  
 که در ایام تحسین هر روزه از دو ساعت بغروب مانده تا هنگام غروب  
 این اعلامه و خارج از چهار زبان تدریس نمایند زبان فرانسه زبان  
 روسی زبان ترکی و سلاوی و هر کس از اعلای و ادالی در وقت  
 در دارالترجمه حاضر شود و باینکه چیزی از او خواسته باشند قبول نمود

جنانا و اهریک ازین چهار زبان میل بهشمی آموزند محض اعلام عمومی  
 درین روزنامه مبارکه سمت الطباع یافت  
 پس از عرض این فقره خدمت اولیای دولت قاهره جناب جلالتمآب  
 پسران اعظم اجرای این امر و الطباع این اعلان بطبوع طبع افتاد  
 در ذیل سواد آن بخط خود مرقوم داشته بودند

آخرین بر صنیع آله و له فکر خوبی کرده است انشالله  
 در سایه بایون شایسته ظل الله  
 فداه شایع خوب خواهد داد  
 شعبان المعظمه

## اخبار و سبب

در باره اخبار روز شنبه است و نهم جادی الاخره علای اعلام  
 و جمعی از دول الاعوام مقصود الاسامی بحضور مهر طور علیحضرت بایون  
 شایسته خدمت و سلطان شرف جمعه جناب آقا سید صادق محمد  
 صدر اعظم جناب امام جمعه جناب حاجی ملا رفیع محمد رشتی (وزیر)  
 عظام نیز در تیر و زورای خاص حضور بایون مشرف گردیدند  
 حاجی ظهیر آله و له اینیک آقاسی باشی از طرف قرین الشرف بایون بوزارت  
 عدلیه سرفراز گردید

بقیمت و زنامه سفیران زند  
 که بدست خط مبارک  
 شماره ۱۲۸

و در پنجم شنبه غرض مختار آمد امروز آمل توقف است صبح هوا پاک  
 ابر بود و گیسو کرفکی داشت بخار آلود و گرم بود بنا بود تا مار در او حی آب

## تفصیل سفر کابینه اطرلس و کلماتی در سبب ترجمه بندگی کابینه

سکان هنر کشتی قرار داد و اسطیاسان قریب بحیره بشقی که مقصد اصلی طاقان و سطح نظار اس بود رسید بجهت وصول بحیره مزبور  
 بودند نسبت بنایر ضعیفی دریای شمال شک تر و باین واسطه عبور سفین از آنجا صعب تر بود و پارچهای بخی را که باد شمال از قطبیت  
 بلوایل میراند بسبب ضیق مجبور به توقف بودند و هم نوعی سزاگم شده بودند که عبور غیر معتد بود اطراس که بجهت وصول بحیره بشقی طریق جز  
 نیست و اگر هم بود اقلاد و راه دیگر کشتی قرار داد باید رجوع قهرمانوده طی طریق کند و بعلاوه خطراتی که باید عبور از آنها نمود چون فضل بایر در پیش  
 با رسیدن بحیره مذکور ممکن نبود تا چار بعد از مشوره با صاحب منصبان کابینه اطراس قرار داد که آتش کوبی بخار را خاموش کنند و دیگر را  
 خاموش داشته باشند از فرصت برنده که هر وقت با مراد و زیدان گرفت و قطعات آگنده سح را بر آگنده ساخت علی الفور کشتی را حرکت داده  
 بعد از آنکه سازه پنج روز تمام از صبح تا شام باین امید و نوید بسر برد و در چهارم از حالت طاقان استنباط سرکشی و از ناصیه ایشان مشاهده طلیا  
 را که بجهت پرواز آنها را ساکت کرده غط فرج بود که بخت بلند او را یاری کرده طهر و در پنجم با دست یاری دریدن کرفه قطعات سزاگم را مفصل



# لجاری و کلاها

## گرمیان

وکیل الملک حکمران کرمان و بلوچستان محض فادان  
مردم و تحصیل دعای بقای عمر و دولت ابد مدت بمایون حکم نموده هر  
کدم فادان از اطراف شهر می آورند و در میدان شاه و کاروانسرا  
شهر بقرابله به قیمت ارزان میفروشند و نان و سایر کولات نیز در  
خوب و فزادان است اما هیچ قدری گرانست  
بجمله الله تعالی تعییرات روز بروز در شترل است و امور و ولایت نظم کامل  
و محصولات صیفی بسیار خوبست

سابقا بعضی مردمان غیر مندرجین بنای ساختن نوشتجات شرعی که اکثر  
کشف مسلم وکیل الملک مرتجعین را تنبیه و قترعین را تنبیه نموده اند  
امور شرعی منظم است

از قاریک اسمعیل خان ضابطه فرسخان و پاریز و مار و ناظم امور عمر  
کرمانشاهان و شمس و زین الدین نوشته بوده بجهت نفوس و از مرز  
گذشته بطرف قریح رفته بودند بجهت نفوس و از مرز  
و چار شده و آن چارده مار مقتول و اموال آنها را منسوب نمود  
چون مجور ایشان میانه شمس و کرمانشاهان می افتد قراول شکیان  
بر کرده قراولان را جرمیده بدین یک بانه نفرقتگی حاضر تعاقب  
شافته و در هنگام غروب آنها را بجای می یافد بود که مشغول خوردن  
دروزی بوده اند بقتله در میان ایشان شلیک نموده آنها را متع  
میانه شتران مسروق خارج نمود هفت نفر شتر با بعضی اموال  
گردانیده بود و از همان شلیک یکی از آنها گرفتار شده و نیز اسب  
در دوان قیر آمده بود با جملده شتر را به اسب جانش رسانده قرض وصول  
داشته است اگر چه گفته بودند که چهار صد تومان نقد از مال حاجی  
و هفت تومان جنس از آن محجوس در میان اموال بوده که در دال  
گیرد و از میان در برده اند و ترک اسب بسته از چنگ شکیان  
وکیل الملک محض اطلاع ازین خبر بخرم علاوه بر میت و پنج نفر سوار و چهل  
جهازه سوار معمول نموده بجهت حفظ و مرست و اموال قراول

صرف شود متوقف شد محاسبات میرزا اسحاق خان استرآباد ویرا با بعضی  
و حله نمودیم پس از آن علماء اهل باین تفصیل بحضور آمدند آقا میرزا حسن مجتهد  
نیای (آقا ابوطالب اسکی) ملا حسین رستاقی (ملا جی رستاقی) آقا  
پسر مرحوم ملا صابر قدری با آنها صحبت شد مریض شده رفته بعد بنای تعزیه  
واری خاسر آل عبا حضرت سید الشهدا علیه السلام شد و روضه خوانها بدین  
بجضور آمدند دو پسر بزرگ و کوچک مرحوم سلطان آذاکرین (ملا آقا جان  
کاشی رسید محلاتی) پسر قاصد ترک (پسر مرحوم ملا قاسم رشتی) برادر  
مرحوم حاجی میرزا احمد سید ابوطالب رشتی (ملا آقا کوچک) هر یک  
خوانده رفته پیشه متان در حضور بودند پس از مراسم خواندن کی آسایش نمود  
خواهدیم ساعت بغروب مانده سوار شده با وحی آباد در ششم اعتقاد الله  
بجی عنان (عبد ضیاحان) آقا علی (ادیب الملک) حاجی میرزا علی (سیلانی خان) محمد  
رحیمخان (عبد خلوت و بعضی نوکران در رکاب بودند در اوجی آباد اول و  
دیوانخانه خوبی شدیم تالار و حوض باشکوهی داشت مرحوم عبا سقینان  
لاریجانی ساخته بود بعد از و باغ کوچک دیوار کوتاه با روح و صفائی شیم  
خیلی خوش وضع درختهای مرکبات قدیم را بریده پیوند نموده بودند باغ  
جدید آنها بود از آنجا بخاوی کوچک رفتیم به محل سرخ بود در حقیقت  
کاستانی خوب منظر خوش بودی بود آینه خانه داشت اگر چه کم آینه بود اما  
بد وضع نبود این خلوت و باغ کوچک از بناهای این عبا سقینان پسر مرحوم  
عبا سقینان قدیم است عصرانه آورده اند که خوردیم درخت بورتقال خوب  
ملاحظه شد خیلی با طراوت و شکوه بعد سوار شده بجا بن منزل غریب  
اسباب شکار خوک و شکارچی بمرموجود بود ولی محض احترام محترم که ماه صحر  
و ماقم است رغبت بشکار نمیدوم اعتقاد الله و له از دنبال آمده خوک شکار نمود  
بود پس از ورود بمنزل بجام رفته در تمام نماز نموده مقارن غروب از تمام  
پروان آدمیم پس از شام قورق شد بلیز الله و له (میرزا هدایت مستوفی) وکیل لنگر  
اعتقاد الله و له حاجب الدوله احتضار شده اند بمرشد که اردو را نصف کنند  
این اشخاص و بعضی غلامان و سواران با اعتقاد الله و له از علی آباد مریض شده  
از راه نرگجور رود بار بظهران بودند بعد ازین قرارداد میل با سایش نموده  
خواهدیم

اندک معبری از گنبدی بخ پیاده ارشد اطراف فرصت غنیمت یافته بلا تا قلم حکم برانند کشتی داد پست و اشت ساعت تقریبا با کمال سستی راه پیوده  
عصری به غلغله الکس و اصل شدند از حجاب آنکه با وجود یک شب بخ پنج دوند بقطب شمال نزدیکتر شده بودند در دماغه و الکس برف بودند  
قطعات یخ و جمیع اراضی ساحل سرخ رنگ بود بطوریکه آب دریا از آنکاس کوههای اطراف سرخ رنگ شده بود بهر کج که نظر می جنگند نه فر  
تمام ملاکان حتی کایان اطراف این فقره حیرت داشتند مگر ژو و نون که در شش مسیح در کشتی موسوم به فوگس بسمت ملاجی باین  
از کیفیت مطلع بود و در کلاهی چنانچه کرد و کرد و احساس و مشاهده عذاب فی الواقع کفوح قوتی داشت حالت بی اعتنائی در شونوزاده  
رفته گفت بچه دلیل از مشاهده چنین چیز بدی که همراه در حیرت انداخته تو آسوده نشسته بپوچه اظهار شکستی نمیکنی ژو و نون گفت این حیرت که شاز  
چرخ دلیل ندارد بجز اینکه اراضی اطراف این دریا خاک سرخ رنگ است و چون مادر که ساحل عبور میکنیم و عکس جبال و اراضی مرتفعه  
افتاده چنین گمان میکنیم که در هوا حیرت است و در کلاهی بعد از قترع است که ژو و نون در قول خود صادق است باین  
تفصیل آگاه گردانیده همه آسوده شدند دو ساعت از شب گذشته کشتی فرار و وارد شکله باد و کردید کایان اطراف  
ناهار در اطلاق خود احتضار کرده نقشه بیسوط قطب شمال را که با خود داشت کشوده بآنها نموده بشارت داد که شما مسافران بجزیره شیبی بسیار



و مرد دین و حامین و جوه امانت و چا پاران فرستاده اند  
 قوی و سبقت سرباز فوج شوکت را که درین دسا خلو بودند وکیل الملک  
 مذاکره نموده در او اخراجه گذاشته بدار العباد فرستاده است  
 توپخان فشار در میدان توپخانه بهر روز با کمال شکوه مشق نظام مشغول  
 و امور توپخانه را منظم و مضبوط است و اسب و توپخانه را خوب  
 نگاهداری نموده و یناینه  
 فوج قدیم کرمان در خارج دروازه ارک با کمال نظم و شکوه مشق نظام  
 مشغول میباشد علی آقای سرهنگ فوج مزبور در نظم امور خدمات شایسته  
 و مراقبت بایسته منظور میدارد وکیل الملک از خدمات مسأله را رضی  
 بوده است

موجب نه ماه فوج مزبور را احواله نموده و سیورسات آحاد و افراد را  
 ماه به وقت میرسانند (۱) طبوس و کلاه و بچین فوج مزبور تمام شده  
 تا اماره فوج داده اند

## اخبار غریبه

سواد کاغذ منیر از عبدالرحیم خان ساعد الملک وزیر مختار و بطریق مخصوص دولت  
 نظم و دیار دولت روس است که از نظر یونان بر دین نامه نگار نوشته مؤلفه  
 آقای من و چیز در دنیا موجب ترقی و تربیت من شده اول تقسیم احوال  
 دوم تحکیم احوال من و این دو امر معظم هیچ چیز در دنیا نمی تواند چنانکه لازم است  
 پرده از روی آن بردارد و مگر دستگاه روزنامه که عمده ترین امانت پادشاهان  
 ریخت پرور است دستگاه روزنامه در حقیقت آینه احوال همان مملکت است  
 و کمال بی انتصافی خواهد بود که عیب خلایک را زعدم اصلاح و ملامت در ترقی پیش  
 و اعمال صواب کار از عدم تحکیم در ضعف و ثزل بنانذ با خیالات همیشه ملت و حتی  
 بی تربیتی باقی خواهد بود و از هر سکه شایع من مفهوم میشد که قلمی در میان اعلام برخی  
 از حالات ناگوار داخل مملکت در رسید که به موجب ریختش کسی از داخل سود  
 این خیالات شایع آنهم علم و اطلاعات که در این مجال منافات را دارد و آلا این  
 نحوه را باید شاخ خوب بداند از خبری و کلی احوالاتی که دولت نیست که در اردو پا  
 منتشر شود و ثانیاً در که ام مملکت او را پاست که لایق قطع و علی التوالی عیبهای  
 غریب و جرم و خیانتهای عجیب هر روز بر دوزخ کند معایب موجب تنگ هیچ  
 دولتی نشود و تنگ دولتی و قتی است که در مقام شیه و اصلاح معایب اتفاقاً بر خیزد  
 و یکماده طیفه بلند پادشاه دین پناه و مراسم حفظاً موسس ملک و ملت و ملت  
 ایشان در دفع معایب و اصلاح احوال خلق و استقرار نظم و آسایش مالی ایران  
 برگاه در نظر مالی اردو یا محمول باشد و یقیناً نیست در نظر جمع مردم و تاریخ جوانان  
 ایران مخفی پوشیده نیست و حال آنکه در نزد همه دول متخاصم مشهور و معروف است  
 که ایران در عرصه گذشته خود چنین پادشاه با حسن نیت و رعیت پروری ابد انداخته است  
 برای حال که دستگاه روزنامه در الحاق از حسن نظر و انتخاب اولیای دولت  
 علیه بدست شایسته شده که آگاه را وضع و داخل و خارج است قدری قدم  
 بهت پیش گذارید و احوالات داخل را در سعی و بسیه بلکه انشا الله روزنامه  
 تا اصلاح بعضی معایب را که همیشه در پرده خفا بوده بوجه کامل بناید اید و اید

اینرا سله بی غرضانه من باعث از دیاد سلیقه شما کرد و زیاده چه زحمت دهد  
 مرتبه شهر رجب المرجب

## خارجی

روس در روزنامه سنت بطر پورخ مسطور است که از جهت بر  
 و طو و مرض و باد و مسکو مجمع حافظه الصحة مرصفا نهایی موقتی چند در مجمع محلات  
 شهر مقرر نموده و اطبای حاذق بجهت معالجت مرضی قرار داده اند اما ساسی اطبای  
 شهر ثبت نموده و بدیوارهای محلات چسبانیده اند که مردم مطلع شوند  
 که بجهت ابتلای اشخاص بمعالجه پروازنده بجلاده موافقت تمام دارند که در باره  
 میوهجات به بغروش نرسد

فرانسوا فی روزنامه پاری اغتشاش و یاغیگری مملکت انگلستان  
 که ظاهر خواهد بود و رفع شورش شده بود مجدداً در اکثری از انانی آن مملکت  
 این اغتشاش برپا شده و شدت یافته است بجهت قلع و قمع یاغیان قشونی  
 نامور نموده اند از جمله قشونی تاکنون از شهر تولن که در جنوب فرانسه  
 واقع است نامور گردیده و هر چند این اغتشاش شدید و موجب استیغاث  
 مردم گردیده است ولی اکنون که در مقام رفع آن برآمده اند امیدواری  
 دارند که دفع شود و لکن از قرائیکه نوشته اند بجهت تسکین نمودن یاغیان بکوه  
 که باعث فتنه و فساد اکثری از بلاد شده اند هشتاد هزار نفر قشون مسلح  
 لازم خواهد بود و تحمل مخارج گزاف باید نمود

## عثمانی

مورخه دو اردو هم ماه او در خصوص فرد و یاغیگری طایفه  
 شمر نوشته بودند که از رعایت طایفان بشهر منبرهیل و حول و حوش آن  
 حمله در گشته از تنب و غارت و دقعه فرونگه آشته اند از جانب دولت  
 برای رفع ماده فساد و آسایش و آرامش عباد و بلاد قشونی مرکب از یک  
 در میان سواره نظام و هفت تا تیان پایده نظام بسیر کردی اسمعیل  
 پاشا مقتر و نامور شده اند که در اطفا دایره شرارت و اند طاع ماه تنب و  
 غارت آنها فوق العاده است تمام نموده جمعیت آنها را ارکده و مقهور شده  
 حتی المقتدره و از قتل و سب و آلتایقه طایفه کوتاهی نمایند ما مورین در قلع و  
 قمع یاغیان کوشیده آنها را مغلوب و منکوب نموده و از ایشان بسیار  
 با سیری بردند که بعضی از جماعت شیخ بودند که قیمت کلی از شورش ایشان  
 از سمت جنوب فرار خستیا نمودند و محل توقش و توهم بوده است که بمباد  
 کوه بعد از ری تیه عده و عدتی نموده بشارت و عذاب بر خیزند و قشود و فساد  
 برانگیزند

و از قرائیکه از صلب خبر رسیده است بواسطه دزدی و راهزنی که در میان  
 بلاد موصل و ماردن روی داده است و کاره امان را غارت  
 نموده اند رسم مراد و ت و میان ولایات مزبور و بکی مسدود گردیده است

اسپانیای موافق اخباری که از بنو هونک میرسد مورخه دو اردو



ایلی حادوان که در قنر جزیره کوبان و متعلق بملک اسپانیاست تحریک  
 بعضی مغربین بهوای خود سری افتاد و بنای یغیگر می گذاشته اند و دولت  
 اسپانیای سوریه طالب آزادی گردیده اند دولت مشارالیه با جبهه دفع ترانها  
 سپاهی مأمور و دراری معین داشته قشون مزبور بجای شهر مذکور رسیده  
 و بمحاربت و مقاتلت مشغول گردیده اند جمعی کثیر از یغیان کشته گشته و جمعی  
 غیر مطیع و منقاد شده اند لکن هنوز انضامات و دوچارا انعطافات زیاد  
 میباشد و قشون مزبور با طوائف مذکوره در ستیزه و آویز شده آنچه تحقق معلوم  
 یا یغیان معذور و تا مدتی که سپاه غور اسپانیای خواهند شد

## اخبار مختلفه

**دائر الخلافه** محمدهود کاجان صبح روز شنبه خبر داد  
 بردن شب مزبور از خانه علیخان قاجار بکلیه دی مبلغ یک هزار تومان وجه مهریه  
 و صاحبقران برده اند حاجی میرزا تقی وکیل از غایبان رفته از وضع دزدی و چا  
 و مکان خواه معلوم نمایند که از خارج احدی باجانیانده است و کار اهل خانه  
 و نوکر است که از جا و مکان نخواهد اطلاع داشته اند با اطلاع محمد علیخان بر پیش  
 نظریه قرار شده که بمسایهای خانه جزو دهند و آنشب را با صلح خاک اندازان  
 نمایند هرگاه نخواهد رایجی خود انداختند قضا بطلب و الا از کسانیکان بیکار  
 یا نه میروند مطالبه شود بهمانشب نصف نخواهد رایجی خود انداخته بودند و حد  
 بتعین پیوسته بود ثانیاً تهدیدی در نیاب شده شب دیگر ثانی از آن خواه  
 تیرجیای خود آمده بود و مجدداً تهدیدات در نیاب شده و تا چند شب دیگر  
 تمام نخواهد رایجی خود انداخته بودند و صاحب نخواهد آسوده شده  
 به عاکولی پرداخته است

## ولا باث

**اصفهان** یکی از سوان ولایت بهمنان رسم به پیش گرفته اند از کجا  
 افعال با صواب اجتناب نمایند برادری که داشت آنچه او را بصلحت پیش نموده  
 ندیده و وعده اظهار داشت سفید بخت و روزی او را ضربتی زده شربت هلاک چنانچه  
 مادر آن دختر که داشت او بود در محضر شریع و مجلس عرف از قتل او اظهار تضرع  
 و از پسر اعلام رضامندی نمود و به کاری او در دیوان حکومت و زندانهای  
 شریعت کثوف و معلوم گردید مستحق قاتل او که برادر او بوده و از روی غیرت  
 بدون انیک اراده قتل داشت تا او را ضربت زده گردیده  
 در او قاتل که ناظم الملک پسر محبت مستلا بود در حوالی مورچه خورت  
 اموال نصر الله یک یا در قورخانه را برده بودند حکومت مأموری نزد حینقیان  
 بخیاری روانه داشته مشارالیه سارق را بدست آورده قدری اذمال  
 مسروق را که تلف نشده بود مسترد و سارقین را با صفهان فرستاده است

## قزوین

جبار نام کاذب بجهت تدارک معاش خواسته بود تا طرف  
 خانه خود را بمعرض بیع در آورده و زوجه او را مانع گردیده بود از شدت تغییر  
 خود رایجی انداخته و تا چند دقیقه فاصله هلاک شده بود

معاذ لیکعدل لاسس از مال رشیده نام مکاری (دزد قوی) در قزوین بجزوق  
 برده بودند پس از عرض بکومت مأموری روانه جزین ق نمودند که سارق  
 معلوم و مال او را مسترد دارد در همانشب که مأمور مزبور بجزوق آمده بود  
 لاسس مزبور را یاسی از شب گذشته آورده در جای خود شش انداخته  
 و بعد از رسیدن روز دیگر مأمور مزبور با قبض وصول لاسس و قزوین  
 مراجعت نمود

## خارجیه

**انکلیس** یکی از قضایا انگلیس را که در شهر مالداس واقع در بند  
 اقامت داشت بزوجه خویش رخت بنود و پیوسته در صدد دست آوردن  
 بود که بجهت فروش نماید چون بواسطه قانون مذکور عیسوی او را اطلاع  
 نیتوانست گفت به پری اندیشیده راه و رسم مسلمانان پیش گرفت و بدین  
 وسیله بی اندیشه و تشویش زنی جدیده الاسلام که بتازگی در مسجد ولود  
 واقع در هندوستان کیش مسلمانان پذیرفته بود بعبقه نخل در آورد

**بنکی بنیا** اگر چه از وحشیان یکی بدست بسیار نوشته اند لکن چنانچه  
 نیز در اندک در واقع جای تخمین است و آن اینست که بجن و غاو و غای عهد  
 ستوده اند چنانکه از شهر بنویسند یکی دنیا نوشته اند که در نکلاس  
 شخصی از طایفه شکتو چند سال قبل معروف بقتل نفسی گشته ولی چون چون  
 نمیدانست اجرای حکم قصاص در باره او و بگوید در این او را خرگوش خری که  
 کشته و برش ثابت گشته بود اندک او را گرفته بقتصاص او حکم کرده بود بدین شخص  
 استدعا نموده بود که چنت روزه او را مهلت دهند این سولی بقول معروف  
 گردیده بدان نوبت نموده که در روز چشم حاضر سیاست گاه بوده باشد و شهر  
 روانه گشت پس از انقضای مدت مهلت شخص وحشی از عده خود برآمده و بجهت تمام بپشت  
 سعادت نمود در حالتی که مادر و برادر و برادر خواهر و نیز برادرهای او آمده بودند  
 ولی این قارب از قتل او بکلی فارغ و مطلقاً لالت از آن حالت در دل نداشت  
 چنان خرم بود که کوی انوار عروسی می پنداشته تا بوی بخت و او میتا داشته بود  
 شخصی گفت که این تابوت برای جثه او کوچک است برادرش بجهت آسنان خود را  
 و در تابوت خفته پس از آن برخاسته تبتم کنان کشته بود که این تابوت با قامت  
 انداز و برابر است در این هنگام هنگام خنده و شوخی در میان افتاده و بخی بجهت  
 غیرت پس از تهیه اسباب قصاص شخص وحشی بجهت حکم زانو زده و بمبای قتل  
 و شطرنج شد خواهرش چپش را برادرش دستهای بسته میر غضبی بفرستاد  
 قدم بپستاده تفنگ خود را بیغل کشیده تفنگ ناگهانی بر رفته و کلوله بجای او  
 نشست شخص قاتل بخیال آنکه تفنگ با و خالی شده از شدت و ابرو بدمالی  
 روزه برانداخته افتاده و زبانش از کفزار بازماندینش را یکی از برادران بیاد طاف  
 آب دکان نشان نموده ثانیاً کلوله بر همان محل نشان وارد آمده جان سپرد جز در کشتن  
 از گوشه چشم روان بود بر سپاه برادران مرگش آسان بود یکی از برادران مادرش  
 آغاز کرد که هر چند زاری می کنی مرده باز کرده همان به که برش گیری و دنیا که خوش کنی  
 ریش کل در لپشت او ملکت محروم ایران صنایع الدوله محقق